

بررسی یکپارچه‌سازی آموزشی در ایران و نگرش والدین دانش‌آموزان نسبت به این سبک آموزشی

دکتر علی‌اکبر ارجمندنیا *

سعید غیائی ندوشن **

چکیده

یکپارچه‌سازی آموزشی، به یکی از روش‌های آموزشی غالب برای گروه‌های مختلف کودکان استثنایی بدل شده است؛ چرا که در این روش، به نظر می‌رسد، دانش‌آموزان کم‌توان و ناتوان به شکل مناسب‌تری به حقوق انسانی خود دست می‌یابند. پژوهش حاضر، به منظور بررسی یکپارچه‌سازی آموزشی در ایران و عوامل مؤثر بر نگرش والدین دانش‌آموزان تلفیقی نسبت به این سبک از آموزش بر روی ۲۰۴ نفر از والدین دانش‌آموزان مرزی تلفیقی منطقه ۱ و ۲ آموزشی شهر اراک به اجراء درآمد. نگرش والدینی که به روش تمام‌شماری انتخاب شده بودند با استفاده از یک پرسشنامه محقق‌ساخته مورد بررسی قرار گرفت. روش‌های آماری مورد استفاده در این تحقیق، عبارت بودند از آزمون معنادار بودن دو نسبت مستقل، ضریب همبستگی و تحلیل واریانس یک راهه. نتایج این تحقیق که از نوع پیمایشی تحلیلی است، نشان داد که نگرش والدین مورد مطالعه نسبت به یکپارچه‌سازی فرزندان مثبت است و با عواملی همچون سن والدین، تعداد دوستان فرزندان و تحصیلات والدین رابطه مثبت معنادار دارد. امکانات مدرسه و تراکم کلاس‌ها از جمله مواردی است که والدین از وضعیت آنها ناخرسندند. عدم استفاده دانش‌آموزان مرزی از آموزش‌های انفرادی و نبود کلاس‌های فوق برنامه از محدودیت‌های مدارس مجری طرح مذکور هستند.

واژگان کلیدی: نگرش والدین، یکپارچه‌سازی آموزشی، دانش‌آموز، سبک آموزشی

* استادیار دانشگاه تهران

** دانشجوی دکترای رشته برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی دانشگاه شهید بهشتی

Email: ghiasi.saeed@gmail.com

یکی از بحث‌های عمده در آموزش و پرورش و توان‌بخشی کودکان استثنایی^۱ در سال‌های اخیر، تلفیق این گونه دانش‌آموزان در مدارس عادی و پیروی از اصل عادی‌سازی^۲ است. اصل عادی‌سازی بر این باور است که اشخاص دارای معلولیت باید از همان حقوق و فرصت‌هایی که افراد عادی برخوردار هستند، بهره‌مند شوند. اجرای برنامه‌های یکپارچه‌سازی و آموزش فراگیر و راه‌اندازی مدارس فراگیر از جمله کاربردهای اصل یکپارچه‌سازی به حساب می‌آیند (به‌پژوه، ۱۳۷۱؛ ویلیامز، ۱۹۸۸؛ ترجمه به‌پژوه و همکاران، ۱۳۷۵).

در سال تحصیلی ۷۲ - ۷۳ بعد از اجرای طرح سنجش کودکان آماده ورود به دبستان که یکی از پیامدهای آن تشخیص و جایگزینی دانش‌آموزان دیرآموز برای اقدامات آموزشی، پرورشی و بازپروری بود، منجر به تشکیل کلاس‌های ضمیمه جهت این دانش‌آموزان در کنار کلاس‌های عادی در مدارس عادی شد. این کلاس‌ها به صورت آزمایشی با هدف کیفیت مطلوب‌تر آموزشی به مدت دو سال در چند شهر ایران تشکیل شد. در سال تحصیلی ۷۴-۷۵ این تلفیق دنبال شد و پس از گذشت پنج سال به دلیل بروز مشکلاتی از قبیل افزایش هزینه‌ها، مشکلات فضای آموزشی، ایاب و ذهاب دانش‌آموزان و عوارض منفی عاطفی این نوع جداسازی کلاسی، این روند متوقف شد و بالاخره در سال تحصیلی ۱۳۷۹ - ۸۰ با تسهیلات ویژه، وزارت آموزش و پرورش تصمیم گرفت ادغام دانش‌آموزان دیرآموز را در کلاس‌های عادی و همراه با سایر همسالان دنبال کند (تات و هوسپیان، ۱۳۷۹).

عقیده متخصصان تعلیم و تربیت عادی و استثنایی نسبت به دانش‌آموزان دیرآموز این است که این قبیل دانش‌آموزان چون از نظر رشد ذهنی تفاوت کمی با دانش‌آموزان عادی دارند بهتر است در مدارس عادی و همراه سایر همسالان خود تحصیل کنند (همان منبع).

در عین حال خانواده دانش‌آموزان دیرآموز معتقدند که در نظام آموزش مجزا فرزندان‌شان فرصتی دارند تا دانش و مهارت‌ها را در سطح خود فراگیرند. از طرف دیگر، شدیداً علاقه‌مندند که فرزندان‌شان تعامل با دیگر دانش‌آموزان عادی را از دست ندهند و راه و روش سازگارشدن با زندگی اجتماعی را بیاموزند (نلسون^۳، ۱۹۸۸). از طرف دیگر، شرکت در مدارس عادی می‌تواند به اصلاح نگرش دانش‌آموزان عادی کمک کند و به برطرف ساختن نگرش‌های منفی افراد نسبت به کودکان ناتوان منجر شود (ونگ^۴، ۲۰۰۸).

-
1. Exceptional Children
 2. Normalization
 3. Nelson
 4. Wong

عوامل مختلفی می‌توانند در موفقیت یکپارچه‌سازی دانش‌آموزان ناتوان یا کم‌توان در مدارس عادی مؤثر باشند. والدین دانش‌آموزان عادی اغلب در برابر برنامه‌های یکپارچه‌سازی مقاومت می‌کنند؛ به ویژه در صورتی که این برنامه‌ها به خوبی تدوین نشده باشند و موضوع یکپارچه‌سازی کودکان دارای معلولیت شدید مطرح باشد؛ به عبارت دیگر، یکپارچه‌سازی متأثر از نگرش‌هاست (به‌پژوه، ۱۹۸۸). از جمله عواملی که می‌تواند در امر یکپارچه‌سازی دانش‌آموزان دیرآموز مؤثر باشد، وضعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده‌های آنان است. «هال» و همکاران (نقل از حسن‌زاده و خداوردیان، ۱۳۷۷) نیز دریافته‌اند که یکی از شرایط موفقیت دانش‌آموزان استثنایی این است که والدین حداقل تحصیلات بالایی داشته باشند و مایل باشند فرزندان‌شان به تحصیل ادامه دهند و در منزل به فرزندان کمک کنند و با آنان نیز رابطه خوبی داشته باشند.

در نتایج پژوهشی که از سوی «مینایی» و «ویسمه» (۱۳۸۰) در تهران صورت گرفت نشان داد که دانش‌آموزان کم‌شنوای تلفیقی در مدارس عادی با مشکلات خاصی رو به رو هستند که از آن میان می‌توان به کیفیت نامطلوب خدمات معلم رابط، نگرش والدین دانش‌آموزان تلفیق‌شده، پایین بودن سطح تحصیلات معلم، عدم رضایت شغلی معلم، سابقه پایین معلم و کمبود خدمات توانبخشی اشاره کرد.

تحقیق دیگری که بر روی ۲۳۰ نفر از والدین دانش‌آموزان معلول انجام شد، نشان داد که والدین صرف‌نظر از اینکه فرزندشان در مدرسه عادی تحصیل می‌کردند، عقاید بسیار مثبتی نسبت به یکپارچه‌سازی داشتند؛ چون مشارکت فرزندشان را در موقعیت‌های گروهی بهبود می‌بخشید (میلر و همکاران، ۱۹۹۲؛ به نقل از مینایی و همکاران، ۱۳۸۰). یکی از عناصر اساسی یکپارچه‌سازی، مربوط به معلمان و اولیای دانش‌آموزان دیرآموز است. آنان باید از لحاظ نگرشی، علمی، اعتقادی برای رو به رو شدن با یک دانش‌آموز دیرآموز در کلاس خود آمادگی کامل داشته باشند. از دیگر سو، نگرش مثبت معلمان می‌تواند بر نگرش اولیای این دانش‌آموزان تأثیری مثبت داشته باشد. پل و یانگ (۱۹۷۵) برنامه ضمن خدمتی را طراحی کردند که طی آن معلمان کلاس‌های این دانش‌آموزان را راهنمایی می‌کرد که این امر تا حدی در از بین رفتن بدفهمی‌ها و خرافات در باره این دانش‌آموزان کمک کرد (نقل از جنکینسون، ۱۹۹۷).

در تحقیقی که از سوی «بروئی‌لت»^۱ (۲۰۰۰) در ویتنام انجام شد، مشخص شد برای رسیدن به برنامه‌های آموزش تلفیقی برای دانش‌آموزان کم‌شنوا با کمبودهایی همچون عدم علاقه‌مندی و مشارکت والدین در امر آموزش و کمبود وقت برای ارائه آموزش‌های خاص و دانش محدود زبان علامتی و مشکلات رفتار این دانش‌آموزان رو به رو هستند.

عوامل زیادی در نگرش اولیای دانش‌آموزان دیرآموز نسبت به یکپارچه‌سازی آنان با دانش‌آموزان عادی تأثیر دارد که نوع امکانات، نوع ارتباط با همسالان عادی و نوع

برنامه‌ریزی آموزشی می‌تواند تأثیر داشته باشد. در تحقیقی «کاکابرایی» (۱۳۸۴) با بررسی نگرش اولیای دانش‌آموزان کم‌شنا و ناشنوا به این نتیجه رسید که نگرش اولیای دانش‌آموزان کم‌شنا نسبت به یکپارچه‌سازی مثبت است و عواملی مثل برنامه‌ریزی صحیح و توجیه اولیای دانش‌آموزان کم‌شنا بر این نگرش مؤثر است.

نتایج تحقیق «بال بونی»^۱ (۲۰۰۱) نیز نشان داد که والدینی که از وضعیت اقتصادی بالایی برخوردارند در مقایسه با والدینی که دارای وضعیت اقتصادی مناسب نبودند گرایش مثبت‌تری نسبت به برنامه‌های آموزش تلفیقی داشتند.

حضور دانش‌آموزان مرزی در کلاس‌های عادی موضوعی است که مورد توجه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش در سراسر جهان بوده است و محققان کشورهای مختلف نیز در این زمینه تحقیقات بسیاری را انجام داده‌اند که بیشتر متمرکز بر گروه عمدهٔ معلمان تلفیقی بوده است. مثلاً «اپدال»^۲ (۲۰۰۱) به بررسی نگرش معلمان عادی در مورد آموزش تلفیقی پرداخت و به این نتیجه رسید که ۶۰ درصد معلمان با چنین روشی موافق بودند. در عین حال که بسیاری از آنان اظهار داشتند که سبک معماری مدارس عمومی با توجه به نیازهای کودکان استثنایی باید تغییر یابد.

آموزش و پرورش دانش‌آموزان دیرآموز در موقعیت‌های تلفیقی متأثر از عوامل متعددی است که هم به لحاظ تعداد و هم به لحاظ نوع قابل بحث است. یکپارچه‌سازی فرایندی بسیار پیچیده است که موفقیت دانش‌آموزان ناتوان در آن بنا به شرایط خاص جسمانی و روان‌شناختی مستلزم شناخت عوامل مؤثر و در سطحی بالاتر نیازمند طراحی و برنامه‌ریزی برای آموزش تلفیقی این دسته از دانش‌آموزان است. در فضایی که تحقیق منسجمی در زمینه تلفیق دانش‌آموزان دیرآموز و عوامل مؤثر بر موفقیت چنین طرح‌هایی مشاهده نمی‌شود، تحقیق حاضر در پی آن است که به این سؤال اساسی که چه عامل یا عواملی بر نگرش والدین دانش‌آموزان دیرآموز نسبت به یکپارچه‌سازی آموزشی فرزندان‌شان تأثیرگذار است پاسخ دهد؛ به عبارت دیگر، این تحقیق در پی یافتن پاسخ سؤال‌های زیر است:

- از دید والدین، مدارس مجری طرح تلفیق با چه مشکلاتی رو به رو هستند؟
- والدین دانش‌آموزان دیرآموز نسبت به آموزش تلفیقی چه نگرشی دارند؟
- عوامل مرتبط با نگرش والدین نسبت به مدارس مجری طرح تلفیق کدام‌اند؟

روش پژوهش

در پژوهش حاضر دو جامعه آماری وجود دارد:

۱. کلیهٔ دانش‌آموزان دیرآموز شهر اراک که در سال تحصیلی ۸۴ - ۸۳ در مدارس عادی در مقطع ابتدایی به تحصیل اشتغال داشتند؛

1. Balboni
2. Opdale

۲. والدین این دانش‌آموزان که در حال حاضر ۲۰۴ نفر دانش‌آموز دیرآموز پسر و دختر در مدارس عادی شهر اراک به تحصیل اشتغال دارند (۱۳۳ نفر پسر و ۷۱ نفر دختر). روش انتخاب نمونه‌ها نیز به روش تمام‌شماری صورت گرفته است. برای سنجش نگرش والدین دانش‌آموزان دیرآموز نسبت به یکپارچه‌سازی از مقیاس نگرش‌سنج محقق‌ساخته استفاده شد. جهت ساخت این ابزار ابتدا تعداد ۳۰ عبارت در مقیاس درجه‌بندی ۵ امتیازی «لیکرت» تدوین شد. فرم اولیه مقیاس که مرکب از ۳۰ عبارت بود، در یک مطالعه مقدماتی بر روی ۷۰ نفر از والدین دانش‌آموزان (۳۵ زن و ۳۵ مرد) اجراء شد. اطلاعات گردآمده بر اساس مدل کلاسیک خطا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و بر اساس نتایج حاصل، تعداد ۱۵ عبارت که از ویژگی‌های روان‌سنجی مطلوب برخوردار نبودند، حذف شد. ضریب همسانی درونی فرم نهایی مقیاس با استفاده از فرمول «آلفای کرونباخ» $0/84$ برآورد شد. «سلویا» و «یزلدایک» (۱۹۹۱) اظهار می‌دارند که حداقل ضریب اعتبار لازم برای آزمون در مطالعه $0/60$ است؛ بنابراین، مقیاس از اعتبار لازم برخوردار است و به نمرات حاصل از آن می‌توان اطمینان داشت. این پژوهش از نوع کاربردی است؛ زیرا به منظور دستیابی به نتایج عملی صورت گرفته و از نتایج آن در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی برای دانش‌آموزان دیرآموز تلفیقی استفاده می‌شود. این طرح، با توجه به اینکه از طریق جمع‌آوری داده‌ها بدون هیچ‌گونه دخالت یا استنتاج ذهنی به شناسایی و تعیین عامل یا عواملی که با نگرش ارتباط دارند می‌پردازد، طرح پیمایشی تحلیلی است. پیمایش‌های تحلیلی به طور اختصاصی برای کشف و بررسی روابط بین متغیرهای معینی ترتیب می‌یابد (اپنهایم، ۱۹۶۸؛ ترجمه کریم نیا، ۱۳۷۵).

یافته‌های پژوهش

یافته‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی ارائه می‌شود. در بخش اول، نتایج مربوط به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه و توصیف داده‌ها گنجانده شده است و در بخش دوم، داده‌های استنباطی برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش عرضه می‌شود.

جدول (۱) توزیع فراوانی وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده‌های دانش‌آموزان دیرآموز

وضعیت اجتماعی - اقتصادی	فراوانی	درصد فراوانی نسبی
بالا	۱۴	۷
متوسط	۴۴	۲۱
پایین	۱۴۶	۷۲
جمع	۲۰۴	۱۰۰

اطلاعات جدول (۱) نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی - اجتماعی ۷ درصد از خانوارهای دانش‌آموزان دیرآموز بالا بوده است و تنها ۲۱ درصد از خانوارها در وضعیت متوسط از نظر اجتماعی - اقتصادی قرار داشته‌اند و ۷۲ درصد دیگر در وضعیت پایین اقتصادی - اجتماعی قرار دارند که این مسئله نیز می‌تواند برنامه‌یکپارچه‌سازی را تحت تأثیر قرار دهد. جدول (۲) نیز به تحصیلات والدین این دانش‌آموزان می‌پردازد.

جدول (۲) توزیع فراوانی تحصیلات والدین دانش‌آموزان مرزی

نسبت تحصیلات	سیکل و پایین‌تر	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	جمع
پدر	۱۷۸	۱۵	۳	۸	۲۰۴
درصد فراوانی	۹۰/۶	۰/۰۷۵	۰/۰۱۵	۰/۰۴	۱۰۰
مادر	۱۸۸	۱۱	۲	۳	۲۰۴
درصد فراوانی	۹۲/۹	۰/۰۵۵	۰/۰۱	۰/۰۱۵	۱۰۰

داده‌های جدول (۲) نشان می‌دهد ۹۰/۶ درصد از پدران تحصیلات سیکل و پایین‌تر دارند، ۷۵ درصد از آنها دیپلم و ۱۵ درصد مدرک فوق‌دیپلم، ۴ درصد نیز لیسانس داشته‌اند. اما ۹۲/۹ درصد از مادران پایین‌تر از سیکل و ۷/۱ درصد مدرکی بالاتر از سیکل داشته‌اند. یکی از عوامل مهم که می‌تواند روند یکپارچه‌سازی را تسریع کند، سطح سواد و آگاهی والدین است. جدول (۳) سطوح نگرش والدین را نسبت به آموزش تلفیقی و دانش‌آموز مرزی نشان می‌دهد.

جدول (۳) توزیع فراوانی سطوح نگرش والدین نسبت به آموزش تلفیقی کودکان دیرآموز

یا مرزی

سطح نگرش	فراوانی	درصد فراوانی
منفی	۱۷	۸/۳
مثبت	۱۶۴	۸۰/۴
نا مشخص	۲۳	۱۱/۳
جمع	۲۰۴	۱۰۰

جدول (۳) نشان می‌دهد ۸۰/۴ درصد از اولیا نسبت به برنامه یکپارچه‌سازی نگرش مثبت داشته‌اند و تنها ۸/۳ درصد نگرششان منفی بود که این امر نشان‌دهنده موفقیت این برنامه است.

لازم به ذکر است جهت تعیین نگرش مثبت و منفی از نقطه برش ۴۵ استفاده شد؛ به عبارت دیگر، آن دسته از والدینی که نمره کمتر از ۴۵ به دست آوردند، دارای نگرش منفی و آن گروهی که ۴۵ و بیشتر به دست آوردند دارای نگرش مثبت محسوب شدند. انتخاب نقطه برش ۴۵، بر این اساس صورت گرفته است که پرسشنامه دارای ۱۵ گویه است و بالاترین امتیازی که هر فرد می‌تواند بگیرد ۷۵ است و حداقل امتیازی که هر شخص می‌تواند بگیرد، ۱۵ است. چنانچه شخصی در همه گویه‌ها گزینه بی‌نظر را انتخاب کند نمره او ۴۵ به دست می‌آید.

برای بررسی معناداری تفاوت دو نسبت موجود در جدول شماره (۳)، از آزمون معنادر بودن دو نسبت مستقل استفاده شد. Z محاسبه شده در این آزمون عبارت بود از $۲/۹۸$ که از Z جدول در سطح $۰/۰۵$ که برابر $۱/۶۴$ است، بیشتر است. بدین ترتیب، نتیجه گرفته می‌شود، تفاوت بین دو نگرش معنادار است. جدول (۴) نیز دیدگاه‌های والدین را نسبت به رابطه معلمان با فرزندان‌شان نشان می‌دهد:

جدول (۴) توزیع فراوانی دیدگاه‌های اولیاء در مورد ارتباط معلمان با فرزندان‌شان

درصد فراوانی نسبی	فراوانی	نظر
۶۰	۱۲۰	موافق و کاملاً موافق
۲۹	۶۰	بی نظر
۱۱	۲۴	مخالف و کاملاً مخالف
۱۰۰	۲۰۴	جمع

داده‌های جدول (۴) نشان می‌دهند که ۶۰ درصد از والدین از ارتباط مناسب معلم عادی با فرزندان‌شان اظهار رضایت کرده‌اند و ۱۱ درصد نیز ناراضی بوده‌اند.

جدول (۵) نیز نظر اولیاء را در باره امکانات مدرسه و تراکم کلاس‌ها نشان می‌دهد که این مسئله نیز می‌تواند سبب تغییر نگرش اولیاء نسبت به برنامه‌های یکپارچه‌سازی باشد. هر چه امکانات و تراکم کلاس‌ها مناسب‌تر باشد، اولیاء نیز بیشتر این انگیزه را پیدا می‌کنند که فرزندان دیرآموز خود را در مدارس تلفیقی جای دهند.

جدول (۵) توزیع فراوانی نظر والدین دانش‌آموزان دیرآموز نسبت به تراکم کلاس‌ها و امکانات مدرسه

درصد فراوانی	فراوانی	نظر
۳۱	۶۴	موافق و کاملاً موافق
۲۳	۴۸	بی نظر
۴۶	۹۱	مخالف و کاملاً مخالف
۱۰۰	۲۰۴	جمع

جدول (۵) نشان می‌دهد که ۴۶ درصد اولیاء از تراکم کلاس‌ها و امکانات مدارس ناراضی هستند و ۳۱ درصد نیز از وضعیت موجود راضی هستند. ۲۳ درصد نیز نظری نداده‌اند. جدول (۶) نیز به نتایج تحلیل واریانس یک راهه «آنوا» می‌پردازد:

جدول (۶) تحلیل واریانس یک راهه برای متغیر نگرش والدین

منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
بین گروهی	۵۲۹۷۵/۰۲	۳	۱۷۶۵۸/۳۴	۷۱/۳۲	۰/۰۰۱
درون گروهی	۴۹۵۱/۲۱	۲۰۰	۲۴۷/۵۷		
کل	۱۰۲۴۸۹/۲	۲۰۳			

جدول (۶) نشان می‌دهد که F به دست آمده در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است؛ یعنی تغییرات متغیر نگرش والدین را می‌توان از روی تغییرات متغیرهای پیش بین پیش‌بینی کرد. در این جدول نمی‌توان مشخص کرد که کدام متغیر بیشتر از بقیه می‌تواند تغییرات متغیر ملاک را پیش‌بینی کند. براین اساس نیاز به اطلاعات بیشتری است که با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون به این مهم پرداخته شد. نتایج نشان می‌دهد که ضریب همبستگی سن والدین با نگرش آنها (بالاترین ۰/۴۱)، تحصیلات با نگرش آنها (۰/۳۴) و تعداد دوستان فرزندان با نگرش والدین (۰/۱۸) است. ضرایب به دست آمده در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی عواملی که می‌تواند بر نگرش والدین دانش‌آموزان دیرآموز نسبت به یکپارچه‌سازی آموزشی فرزندان مؤثر باشد، پرداخته است. سؤالاتی که در این تحقیق مورد مطالعه قرار گرفتند عبارت‌اند از:

- الف) مدارس تلفیقی از دید والدین با چه مشکلاتی رو به رو هستند؟
- ب) والدین دانش‌آموزان دیرآموز چه نگرشی نسبت به برنامه یکپارچه‌سازی دارند؟
- ج) عوامل مرتبط با نگرش والدین مدارس مجری طرح تلفیق کدام‌اند؟

در مورد سؤال اول با توجه به داده‌های به دست آمده، ۴۶ درصد از والدین از امکانات مدرسه و تراکم دانش‌آموزان در کلاس فرزندان دیرآموزشان اظهار نارضایتی کرده‌اند اما تعداد ۳۱ درصد نیز از وضعیت موجود راضی بوده‌اند. ضمناً برحسب نتایج توصیفی این تحقیق می‌توان به عدم بهره‌گیری دانش‌آموزان مرزی از کلاس‌ها و آموزش‌های انفرادی و فوق برنامه به عنوان مشکلات و محدودیت‌های دیگر مدارس تلفیقی اشاره کرد.

یکی از عوامل مؤثر در نارضایتی والدین بحث ارتباط دانش‌آموزان دیرآموز با همکلاسان عادی خود است. چنان که «اوا» (۲۰۰۳) نیز گزارش کرده است که عدم پذیرش شاگردان دیرآموز از طرف همسالان عادی به دلیل ضعف در عملکرد تحصیلی نیست بلکه به این دلیل است که آنان کلاس را به هم می‌ریزند و کودکانی هستند که از لحاظ ارتباطی و رفتاری دچار مشکل هستند. این مطلب در تحقیق دیگری و به شکلی دیگر نیز مطرح شده است. «عباسعلی‌زاده قره‌شیران» (۱۳۸۰) گزارش کرده است که دانش‌آموزان دیرآموز سازگاری اجتماعی پایین‌تری نسبت به دانش‌آموزان عادی دارند.

در مورد سؤال دوم نتایج نشان داد که ۸۰/۴ درصد از اولیای دانش‌آموزان دیرآموز نسبت به برنامه‌های یکپارچه‌سازی نگرش مثبتی دارند و تنها ۸/۳ درصد از آنها نسبت به برنامه‌های مذکور نگرش منفی دارند. در تحقیق که «کاکابرابی» (۱۳۸۴) انجام داده است، دیده شده که اولیای دانش‌آموزان کم‌شنوای تلفیقی نیز نسبت به برنامه‌های یکپارچه‌سازی فرزندان‌شان نگرشی منفی دارند.

در ارتباط با سؤال سوم تحقیق با توجه به داده‌ها می‌توان گفت که متغیرهای سن والدین، میزان تحصیلات والدین و تعداد دوستان فرزندان‌شان رابطه معنادار با نگرش والدین دارند؛ یعنی هر چه بر سن، میزان تحصیلات والدین و تعداد دوستان فرزندان‌شان افزوده می‌شد بر افزایش نگرش مثبت آنان نیز افزوده می‌شد. از این نتیجه می‌توان چنین استنباط کرد که افزایش سازگاری اجتماعی و داشتن ارتباط بین فردی دانش‌آموزان برای والدین حائز اهمیت است. نکته دیگر تأثیر سطح و نوع آگاهی والدین و رابطه آن با نگرش‌شان نسبت به آموزش تلفیقی است. «ناتور» و «میلگرام» (۱۹۸۰) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که هر چقدر اطلاعات در مورد کودکان استثنایی را افزایش دهیم، نگرش عمومی نسبت به آنان بهبود می‌یابد. «مینایی» و همکاران (۱۳۸۱) نیز در تحقیقی نشان دادند که هر چقدر سطح اقتصادی و مالی خانواده‌ها بالاتر باشد، نگرش والدین دانش‌آموزان کم‌شنوا نسبت به یکپارچه‌سازی مثبت‌تر است. «کاکابرابی» (۱۳۸۴) در تحقیقی نشان داد، سطح تحصیلات و میزان سن اولیاء ارتباط مستقیمی با نگرش آنان در ارتباط با فرزندان‌شان دارد. از جمله عواملی که می‌تواند در ارتباط با یکپارچه‌سازی دانش‌آموزان دیرآموز مؤثر باشد وضعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده‌هاست. این یافته، با نتایج «هال» و همکاران همسو است. این محققان دریافتند که یکی از شرایط موفقیت دانش‌آموزان استثنایی از جمله دیرآموزان این است که والدین

حداقل تحصیلات بالایی داشته باشند و مایل باشند فرزندان‌شان به تحصیل ادامه دهند و در منزل به فرزندان کمک کنند و با مدرسه نیز رابطه خوبی داشته باشند (حسن‌زاده و خداوردیان، ۱۳۷۷).

نتایج دیگری نیز از این تحقیق به دست آمد که در خور توجه است. تمرکز دانش‌آموزان دیرآموز در پایه‌های اول و دوم می‌تواند، ناشی از این باشد که احتمالاً یا آموزش‌های ارائه‌شده می‌تواند تأخیرهای رشدی آنان را جبران کند و در پایه‌های بالاتر بدون داشتن برجستگی به تحصیل هدایت کند و یا اینکه گروهی از این دانش‌آموزان نمی‌توانند در مدرسه عادی از پس انتظارات تحصیلی برآیند و سرانجام سر از مدارس استثنایی درمی‌آورند.

ضمناً «ناایچ» نشان داد که ۱۷ درصد از دانش‌آموزان مرزی در منزل از آموزش‌های انفرادی بهره می‌برند و ۷۶ درصد از این دانش‌آموزان از این نوع آموزش بی‌بهره هستند. این یافته را می‌توان در کنار یافته مربوط به وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده‌های دارای دانش‌آموزان تلفیقی تفسیر کرد.

در پایان می‌توان گفت دانش‌آموزان دیرآموز می‌توانند و باید در مدارس تلفیقی مشغول به تحصیل باشند اما این امر مستلزم برنامه‌ریزی‌های دقیق و مدون و بهره‌گیری از امکانات بیشتر و پشتیبانی والدین، معلمان و همسالان است و از آنجایی که به تعبیر بعضی از محققان، یکپارچه‌سازی به شدت تحت تأثیر نگرش دست‌اندرکاران آن است (مثل ونگ، ۲۰۰۸)، باید توجه کافی به این موضوع مهم در معلمان و والدین دانش‌آموزان (اعم از عادی و استثنایی) صورت گیرد.

در هر حال در ایران یکپارچه‌سازی آموزشی نیز جایگاه خود را به مرور در نظام آموزشی دانش‌آموزان استثنایی باز کرده است. خانواده‌های این گروه از دانش‌آموزان نیز به خوبی آن را پذیرفته‌اند. ولی این بدان معنا نیست که در اجرای این روش آموزشی محدودیت و مشکل وجود ندارد. ضروری است که مسئولان امر با دقت کامل نسبت به برطرف کردن مشکلات و محدودیت‌های نگرشی و اجرایی این روش آموزشی اقدام کنند.

امید است در پژوهش‌های بعدی از ابزارهای استاندارد شده برای بررسی نگرش والدین و وضعیت یکپارچه‌سازی آموزشی در ایران استفاده شود؛ چرا که در این پژوهش به علت نبود پرسشنامه استاندارد محققان مجبور به بررسی نگرش والدین بر اساس نمره‌های خام شدند. این امر یافته‌های طرح را در معرض آسیب‌روایی بیرونی قرار می‌دهد؛ البته ناگفته نماند که این روش در بررسی وضعیت یکپارچه‌سازی امری بی‌سابقه نیست. برای مثال «کاکابرایی» (۱۳۸۴)، «مینایی»، «ویسمه» و «حسن‌زاده» (۱۳۸۴) و «ویسمه» (۱۳۸۴) این روش را در پیش گرفتند. ضمناً محققان بعدی می‌توانند با انجام فعالیت‌های روان‌سنجی بیشتر روی ابزار استفاده‌شده در این تحقیق، به بررسی نگرش گروه‌های دیگری که در امر یکپارچه‌سازی دخیل هستند (مثل معلمان،

۹۵ _____ بررسی یکپارچه‌سازی آموزشی در ایران...
دانش‌آموزان عادی که در سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان تلفیقی نقش بسزایی دارند،
والدین دانش‌آموزان عادی و...) ادامه‌دهندهٔ این مسیر باشند.

منابع

- افروز، غلامعلی (۱۳۸۴). *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی* (چاپ بیست و دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اپنهام، ابراهام، ان (۱۹۶۸). *طرح پرسشنامه و سنجش نگرش‌ها* (چاپ دوم). ترجمه مرضیه کریم نیا (۱۳۷۵)، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- به‌پژوه، احمد (۱۳۷۱). *نهضت عادی سازی. نشریه کودکان استثنایی، شماره پیاپی ۲، ۲۰-۳۲*.
- تات، محمدرضا و هوسپیان، الیس (۱۳۷۹). *آموزش و پرورش تلفیقی دانش‌آموزان دیرآموز*. تهران: انتشارات سازمان آموزش و پرورش کشور، پژوهشکده کودکان استثنایی.
- عباسعلی‌زاده قره‌شیران، زهرا (۱۳۸۰). *بررسی مقایسه‌ای پیشرفت تحصیلی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دیرآموز پایه اول ابتدایی با آموزش ویژه و دانش‌آموزان دیرآموز با آموزش عادی شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- کاکابرابی، کیوان (۱۳۸۴). *مقایسه نگرش معلمان رابط و تلفیقی و اولیای دانش‌آموزان کم‌شنوا و عادی نسبت به اثربخشی برنامه‌های آموزش تلفیقی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- مینایی، اصغر و ویسمه، علی‌اکبر و حسن‌زاده، سعید (۱۳۸۴). *عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کم‌شنوا*. *مجله پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، ۲، ۱۸۹-۱۷۲.
- ویلیامز، فیلیپ (۱۹۸۸). *فرهنگ کودکان استثنایی*. ترجمه احمد به‌پژوه و همکاران، (۱۳۷۵)، تهران: انتشارات بعثت.
- هال، ریموند و همکاران (۱۹۹۹). *توانبخشی شنیداری کودکان دارای آسیب شنوایی*. ترجمه سعید حسن‌زاده و سهیلا خداوردیان (۱۳۷۷)، تهران: پژوهشکده آموزش و پرورش کودکان استثنایی.
- ویسمه، علی‌اکبر (۱۳۸۴). *بررسی رابطه برخی عوامل با نگرش معلمان نسبت به آموزش تلفیقی*. *مجله پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، سال پنجم، شماره ۴، ۴۵۱-۴۶۴.

Balboni, G. (2000). *Attitudes of Italian teachers and parents toward school inclusion of students with mental Retardation & developmental disabilities*. *Journal of Mental Retardation*, 32 (2), 148-159.

Brouillette, R. N. (2000). *The efficacy of Total Communication within an Conclusive education system for Deaf students in Vietnam*.

Presented at international Special Education Congress (SEC) university of Manchester.

- Beh Pajouh, A. (1988). *What is integration?* Keele University, Department of psychology.
- Eva, Bosca (2003). *School adjustment of borderline intelligence pupils. Summery of doctoral thesis.* University of Cluj-Napoca. Faculty of psychology and education sciences.
- Jenkinson, J. (1997). *Mainstream or special education? Educating Student with disabilities.* Rutledge: London & New York.
- Naor, M. & Milgram, R. M. (1980). *Two pre-service strategies for preparing regular class teachers for mainstreaming.* *Exceptional children*, 47, 2, 126-130.
- Nelson, M. (1988). *Social skills training for handicapped students.* *Teaching exceptional children*, 20(4), 19-23.
- Salvia, J. & Ysseldyke, J. E. (1991). *Assessment (5th Ed.)*. Boston: Houghton Mifflin Co.
- Wong, Donna (2008). *Do contacts make a difference? The effects of mainstreaming on students attitudes toward people with disabilities.* *Research in Developmental Disabilities*, 29, 70-80.